

اشاره | امنیت یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که در آیات و روایات، بر ضرورت آن به‌عنوان لازمه حیات طیبه توحیدی، تأکید شده است. خداوند متعال در آیه ۵۵ سوره نور به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده است که بیم آن‌ها را به امنیت تبدیل کند (سوره نور، آیه ۵۵). همچنین، خداوند متعال فقدان امنیت را وسیله‌ای برای امتحان (سوره بقره، آیه ۵۵) ما به دلیل کفران نعمت‌هایش، معرفی کرده است (سوره نحل، آیه ۱۱۲). نیاز به امنیت، یک نیاز فطری است و انسان‌ها بر اساس فطرت خود، امنیت را در همه ابعاد آن جستجو می‌کنند. امنیت نیز سطوح مختلفی مانند فردی، اجتماعی، ملی و ... دارد و در طول تاریخ، به‌ویژه در دوران ظهور دولت‌های مدرن، تأمین امنیت در ابعاد و سطوح مختلف آن، یکی از مهم‌ترین وظایف و کار ویژه‌های دولت‌ها، به‌شمار می‌آمده است. اساساً یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش کارآمدی یک دولت، میزان توانایی‌اش در تأمین امنیت در سطوح و ابعاد مختلف آن است. یکی از نشانه‌های دولت‌های ورشکسته نیز ناتوانی آن‌ها در تأمین امنیت شهروندان و عناصر تشکیل‌دهنده دولت است.

یادداشت



دکتر احمد زارعان

هیئت علمی دانشگاه

جامع امام حسین علیه السلام



نقش شهید سلیمانی در
مردمی شدن امنیت



از امنیت، دو نوع تعریف ایجابی و سلبی ارائه می‌شود؛ بر اساس تعریفی ساده از امنیت که از گفتمان سلبی حاصل می‌شود، امنیت عبارت است از وضعیتی که منافع حیاتی یک کنشگر یا بازیگر از سوی کنشگران یا بازیگران دیگر در معرض تهدید نباشد یا در صورت وجود تهدید احتمالی، کنشگر یا بازیگر از توانایی لازم برای دفع تهدید یا مدیریت آن برخوردار باشد. در تعریف ایجابی از امنیت، کنشگران یا کارگزاران با شناسایی دقیق و عمیق محیط داخلی و خارجی، راهبردهایی را برای تولید امنیت و پیشگیری از بروز تهدید اتخاذ می‌کنند. حدود و ثغور پارادایم‌های امنیتی بر اساس عوامل و معیارهای پنج‌گانه غایت امنیت (تأمین امنیت با چه هدفی؟)، مرجع امنیت (امنیت چه کسی یا چه چیزی؟)، موضوع امنیت (سخت، نیمه سخت یا نرم؟)، روش ایجاد امنیت (سلبی، ایجابی یا ترکیبی؟) و کارگزار ایجاد امنیت (بازیگران دولتی، غیردولتی یا بین‌المللی؟) مشخص می‌شود. در حالی که در بسیاری از کشورها، دولت، اصلی‌ترین عامل تولید امنیت است یا این که در برخی کشورها، بازیگران فراملی اعم از دولتی یا غیردولتی، متکفل ایجاد امنیت هستند، در پارادایم امنیت مردم پایه، مردم به اصلی‌ترین کارگزاران ایجاد امنیت تبدیل می‌شوند و امنیت در پایین‌ترین سطوح و عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی تولید می‌شود؛ بنابراین، بر اساس کارگزار تأمین امنیت، دوگانه دیگری در مطالعات امنیتی قابل‌شناسایی است؛ «امنیت رژیم پایه» و «امنیت مردم پایه». میان این دو مفهوم، تمایز اساسی وجود دارد، در حالی که در «امنیت رژیم پایه»، کارگزار تأمین امنیت، بازیگران دولتی و بین‌المللی هستند، در «امنیت مردم پایه»، مردم و گروه‌های اجتماعی،

متولیان تأمین امنیت به شمار می‌روند. امنیت مردم پایه، نمونه‌ای از رویکرد نرم‌افزاری در حوزه تأمین امنیت است که بر اصول اساسی بسیج مردم و مشارکت فعال آن‌ها تأکید دارد. در رویکرد امنیت مردم پایه، مردم، محور امنیت محسوب می‌شوند، به گونه‌ای که مردم هم بهره‌بردار (مرجع) امنیت و هم کارگزار تأمین آن هستند.

شهید سلیمانی یکی از شاخص‌ترین شخصیت‌های دفاعی امنیتی در سطح جهان است که تحقق امنیت را بر اساس رویکرد «امنیت مردم پایه»، دنبال می‌کرد و در این رابطه، صاحب مکتب امنیت منحصربه‌فردی بود. ایشان کارگزاران تأمین امنیت را در بازیگران دولتی یا غیردولتی و ملی یا بین‌المللی، محدود نمی‌کرد و در مکتب امنیتی ایشان، مردم نقش اساسی در تأمین امنیت دارند. امنیت مردم پایه به دلیل ویژگی مشارکت‌جویی و اعتمادزا بودن آن، به تأمین امنیت پایدار منجر می‌شود و مردم به‌عنوان کارگزاران امنیتی، سرمایه اجتماعی قابل توجهی برای نظام‌های سیاسی تولید می‌کنند. این ویژگی‌ها، نقش بسیار مهمی در مشروعیت بخشی به نظام‌های سیاسی ایفا می‌کنند. ماهیت‌شناسی و کالبدشکافی بحران‌های غرب آسیا، به‌ویژه بحران امنیتی سوریه (۲۰۱۱) و بحران امنیتی عراق (۲۰۱۴)، نشان می‌دهد که این بحران‌ها با هدف نابودی سرمایه اجتماعی دولت در این کشورها ایجاد شدند. اگرچه در این دو کشور، زمینه‌های آسیب‌زا از دهه‌ها و سال‌ها قبل از آغاز بحران وجود داشت و بحران در بستر همین آسیب‌ها، عینیت و ظهور پیدا کرد اما عوامل خارجی نقش غیرقابل‌انکاری در استهلاک سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری و تصاعد این بحران‌های امنیتی ایفا کردند. فساد و ناکارآمدی،



کار قرارداد تا این دولت‌ها، بتوانند با استفاده از این، سرمایه اجتماعی ترمیم شده خود را بازیابی کنند. علاوه بر این، شهید سلیمانی نسبت به سازمان دهی سرمایه اجتماعی سرگردان یا تأسیس نیافته نیز اقدام کرد. سرمایه اجتماعی سرگردان یا تأسیس نیافته، عبارت است از سرمایه اجتماعی یک دولت به نحوی که این سرمایه، عینیت یا فرصت ظهور و بروز عینی پیدا نکرده است. تأسیس حشدالشعبی در عراق و دفاع وطنی در سوریه، دو اقدام مهم و اساسی در راستای عینیت بخشی و سازمان دهی به سرمایه اجتماعی سرگردان در این دو کشور به شمار می‌رود. درحالی‌که داعش پس از تصرف مناطق وسیعی از سه استان سنی نشین در عراق در سال ۲۰۱۴، تصور می‌کرد به دلیل ناکارآمدی و ضعف دستگاه‌های دفاعی و امنیتی

بخشی از استهلاک سرمایه اجتماعی دولت‌های عراق و سوریه را تبیین می‌کنند اما عامل اصلی استهلاک سرمایه اجتماعی این دولت‌ها، جنگ ترکیبی بازیگران امنیت سوز غیرهمساز به ویژه در حوزه جنگ شناختی است. استهلاک سرمایه اجتماعی دولت‌های سوریه و عراق، به ویژه در بین گروه‌های اجتماعی که دچار بی‌قراری هویتی یا چالش منافع با دولت بودند، باعث شد بخش‌های وسیعی از این دو کشور، سقوط کند و دولت در معرض سقوط و فروپاشی قرار گیرد.

شهید سلیمانی که به نمایندگی از جمهوری اسلامی و بنا به درخواست دولت‌های عراق و سوریه برای مدیریت و مهار این بحران‌های امنیتی، وارد کارزار شده بود، از همان ابتدا، ترمیم سرمایه اجتماعی آسیب دیده دولت‌های عراق و سوریه را در دستور

عراق از یک سو و نارضایتی مردم از عملکرد دولت این کشور، قادر است با یک حمله برق آسا، بغداد و سایر شهرهای عراق را تصرف کند، فتوای مرجعیت عالی شیعیان عراق و حمایت‌های مستشاری، آموزشی، اطلاعاتی، لجستیکی و ... جمهوری اسلامی ایران، سرمایه اجتماعی سرگردان موجود در عراق را عینیت بخشید و آن را در راستای دفع تهدید و ایجاد امنیت به خدمت گرفت.

در سوریه نیز درحالی که معارضان مسلح تکفیری و غیرتکفیری به دروازه‌های دمشق رسیده بودند و نظام سوریه در معرض سقوط قرار گرفته بود، فرماندهان ایرانی به ویژه شهید سلیمانی و شهید همدانی، دولت‌مردان سوری را متقاعد کردند تا به سرعت، سرمایه اجتماعی حامی نظام سوریه یا سرمایه اجتماعی مخالف معارضان مسلح را به راه بیندازد؛ یعنی کسانی را که ضمن انتقاد از نظام سوریه با حاکم شدن جریان‌های تکفیری و مداخله خارجی مخالف بودند، جذب، سازمان‌دهی و تسلیح کند و در راستای امنیت محله محور به کار گیرد. به این ترتیب، این سرمایه‌های اجتماعی سرگردان به کار گرفته شد و هسته‌های اصلی دفاع وطنی شکل گرفت.

هنر شهید سلیمانی در مردمی کردن امنیت از طریق بسیج سرمایه‌های اجتماعی تأسیس نیافته یا سرگردان، به بحران‌های سوریه و عراق و تشکیل دفاع وطنی و حشدالشعبی محدود نمی‌شود. شهید سلیمانی در تمام ادوار عمر فرماندهی و مدیریتی خود بر نقش مردم تأمین امنیت، تأکید داشتند و از ظرفیت‌های مردمی در این راستا استفاده می‌کردند. دوران دفاع مقدس (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷) و دوران مقابله با اشرا و ضدانقلاب (۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶)، دو مقطع مهم از حیات شهید

سلیمانی است که ایشان، ظرفیت‌های مردمی را برای تأمین امنیت به کار گرفتند و در اثر رویکرد مردم پایه ایشان به تأمین امنیت و دفع تهدید، امنیت مرجع در حد مطلوبی تأمین شد. بسیج مستضعفان در دوران دفاع مقدس، نقش بی‌بدیل و ارزشمندی در دفع تهدید متجاوز و تأمین امنیت سرزمینی ایفا کرد. در مقطع مقابله با اشرا و ضدانقلاب نیز نیروهای مردمی محلی، ریش سفیدها و بزرگان طوایف در استان‌های جنوب شرقی، نقش ارزنده‌ای در تأمین امنیت ایفا کردند و این رویکرد، بعدها توسط شهید شوشتری تداوم و توسعه پیدا کرد.

در پایان باید بر این نکته تأکید کرد که انقلاب اسلامی هم در مقطع شکل‌گیری و پیروزی و هم در مقطع تداوم، بقا و گسترش، مرهون مردم بوده است و مردم، نقش بی‌بدیلی در تأمین امنیت و دفع تهدید از آن ایفا کرده‌اند. انقلاب اسلامی یک انقلاب مردمی است که نقش مردم را در همه عرصه‌ها نه به‌عنوان یک نقش تزئینی و نمایشی، بلکه به‌عنوان یک نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده می‌پذیرد و مردم، یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین امنیت ملت، کشور، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به‌عنوان نهاد سیاسی برآمده از آن و بازیگران دولتی و غیردولتی دوست و همسو با جمهوری اسلامی هستند. بدیهی است که «مردم»، به مردم ایران محدود نمی‌شود و همه ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان آزادی خواه را شامل می‌شود؛ ملت‌هایی که از تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی دفاع می‌کنند و سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی در اقصی نقاط جهان محسوب می‌شوند.